رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۲۲، مرداد ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(5), 2026

نقش میانجی همدلی در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان

The mediating role of empathy in the relationship between parenting style and delinquent behaviors in adolescents

اعظم کشاورز
کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، آستانه اشرفیه، ایران.
زهرا حمیدی
کارشناس ارشد روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.
صدیقه نجاراصل (نویسنده مسئول)
استادیار، گروه روانشناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران.

Azam Keshavarz
MA in Psychology, Department of Psychology, Payam Noor University, Astaneh Ashrafiyeh, Iran.
Zahra Hamidi
MA in Psychology, Department of Psychology, Ra.C., Islamic Azad University, Rasht, Iran.
Sadigheh Najarasl *
Assistant Professor, Department of Psychology, Be.C., Islamic Azad University, Behbahan, Iran. sn126922@iau.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی همدلی در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان انجام شد. پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر رشت در سال ۱۴۰۴ بودند. ۲۴۰ نفر به روش در دسترس در یک نظرسنجی آنلاین شرکت کردند. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس ادراک والدین (POPS؛ گرولینک و همکاران، ۱۹۹۷)، مقیاس بهره همدلی (EQ؛ بارون-کوهن و ویلرایت، ۲۰۰۴) و پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (ADBQ؛ فضلی، ۱۳۸۹) استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. یافته‌ها نشان داد که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار بود. همچنین، یافته‌ها نشان داد که فرزندپروری و همدلی به طور منفی با رفتارهای بزهکارانه رابطه مستقیم داشتند؛ علاوه بر این فرزندپروری به‌طور مثبت با همدلی رابطه مستقیم و معنادار داشت (P<۰/۰۵). نتایج آزمون بوت استرپ نشان داد که همدلی به طور منفی و معنادار بین فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که فرزندپروری همراه با درگیری، گرمی و خودمختاری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به‌واسطه افزایش همدلی موجب کاهش رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: *سبک فرزندپروری، همدلی، رفتارهای بزهکارانه، نوجوان.*

Abstract

The present study aimed to determine the mediating role of empathy in the relationship between parenting style and delinquent behaviors in adolescents. The present descriptive-correlational study was of the structural equation modeling type. The statistical population of this study was high school students in Rasht in 2025. 240 people participated in an online survey using the accessible method. To collect data, the Perceptions of Parents Scales (POPS; Grolnick et al., 1997), the Empathy Quotient Scale (EQ; Baron-Cohen & Wheelwright, 2004), and the Attitude to Delinquent Behavior Questionnaire (ADBQ; Fazli, 2010) were used. Data analysis was performed using the structural equation modeling method. The findings showed that the proposed model had a favorable fit. The findings showed that parenting and empathy were negatively related to delinquent behaviors; In addition, parenting had a positive and significant direct relationship with empathy (P<0.05). The results of the bootstrap test showed that empathy had a negative and significant mediating role between parenting and delinquent behaviors (P<0.05). Overall, it can be concluded that parenting with involvement, warmth, and autonomy directly and indirectly reduces delinquent behavior in adolescents through increased empathy.

Keywords: *Parenting Style, Empathy, Delinquent Behaviors, Adolescent.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** خرداد ۱۴۰۵ | **پذیرش:** خرداد ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مرداد ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

مقدمه

یکی از معضلات جوامع امروزی موضوع بزهکاری[1] است که توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (کاسز [2]و همکاران، ۲۰۲۵). وجود رفتارهای بزهکارانه به عنوان یک مسئله اجتماعی می‌تواند نظم و امنیت اجتماعی را سلب کند و نهادهای مهم جامعه همچون خانواده، دین، اقتصاد، آموزش و پرورش را متزلزل کرده و ارزش‌ها و باورهای جامعه را تضعیف کند (رنجبر و همکاران، ۱۴۰۲). گسترش برخی از انواع بزهکاری در نوجوانان مانند مصرف مواد مخدر، خرابکاری و فرار از مدرسه، سرقت، خسارت مالی، پرخاشگری، دزدی می تواند باعث عملکرد ضعیف آموزشی، غیبت از مدرسه، فرار از خانه، مصرف مواد، افسردگی، اضطراب ، خودآزاری، حتی افزایش احتمال خطر مرگ غیرطبیعی ناشی از خودکشی، قتل، سوء مصرف مواد و الکل شود (درویشی و همکاران، ۲۰۲۲).

بزهکاری پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در جوامع مختلف به شکل‌های متفاوتی دیده می‌شود (ویسینک[3] و همکاران، ۲۰۲۵). رفتارهای بزهکارانه به اعمالی گفته می‌شود که بر خلاف قوانین، مقررات و هنجارهای اجتماعی از سوی نوجوانان زیر ۱۸سال صورت می‌گیرد. اعمالی مثل غیبت از مدرسه، دروغگویی‌های مکرر، فرار از خانه، ولگردی، تکدی‌گری، ایجاد حریق، تخریب، رانندگی بدون گواهینامه، سرقت، حمل مواد مخدر، زیر پا گذاشتن حقوق دیگران، انحرافات جنسی و ... در زمره اعمال بزهکارانه رایج در بین نوجوانان است (جوسف[4] و همکاران، ۲۰۲۶). بررسی برخی از مطالعات دلالت بر این دارند که رفتارهای بزهکارانه به عنوان یک راهکار نامناسب در مقابل فشار و هیجانات منفی در بین نوجوانان مورد استفاده قرار می‌گیرد (لی[5] و همکاران، ۲۰۲۵؛ هابرسات[6] و همکاران، ۲۰۲۰).

بزهکاری در نوجوان می‌تواند ریشه در تعاملات اولیه با والدین و سبک فرزندپروری داشته باشد (قبادیان، ۱۴۰۰؛ سان[7] و همکاران، ۲۰۲۵؛ والاس[8]، ۲۰۲۳). فرزندپروری به عنوان شیوه و سبکی است که والدین برای اجتماعی کردن فرزندان خود از آن استفاده می‌کنند. والدینی که از روش‌های سختگیرانه استفاده می‌کنند فرزندان خود را ناخواسته در معرض بزهکاری قرار می‌دهند (بلو[9] و همکاران، ۲۰۲۲). در پژوهشی نشان داده شد، هر چه دانش والدین در زمینه فرزند پروری بیشتر باشد احتمال رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان کمتر می‌شود (گورینک و مروگ[10]، ۲۰۲۱). از آنجایی که خانواده به عنوان نخستین محیط اجتماعی است که نوجوان در آن به رشد و بالندگی می رسد، به‌کار گیری روش‌های صحیح فرزند پروری می‌تواند موجب کاهش عوامل جرم و پیشگیری از بزهکاری شود (مهدوی و مدرس، ۱۳۹۹).

برخی از عوامل وجود دارند که می‌توانند به عنوان عوامل محافظت کننده در برابر بزهکاری نقش موثری داشته باشند؛ براساس مطالعات سطوح بالای همدلی با کاهش رفتارهای بزهکارانه و افزایش رفتارهای جامعه پسند در ارتباط است (روزادو و المدیا[11]، ۲۰۲۵؛ کاردونا-ایسازا[12] و همکاران، ۲۰۲۳؛ جواخیششهیویلی و وزسونی[13]، ۲۰۲۲). همدلی از ویژگی‌های شخصیتی است که باعث درک احساسات در افراد می‌شود و همدلی بالا از رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه جلوگیری می‌کند (آژ عصاران و همکاران، ۱۴۰۰). در واقع همدلی محافظی در برابر رفتارهای بزهکارانه است (ون لانگن[14] و همکاران، ۲۰۱۴). هر چه میزان همدلی با کودکان و نوجوانان کمتر باشد میزان رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکاری در آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. همچنین مطالعات پیشین دلالت بر این دارند که آموزش‌های مهارت همدلی می‌تواند برای مهار رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکارانه موثر باشد (کرچیو[15] و همکاران، ۲۰۲۲).

مطالعات نشان می‌دهند که سبک فرزند پروری والدین از طریق رشد همدلی به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای ضد اجتماعی و بزهکارانه فرزندانشان تاثیر می‌گذارد (گورینک و مروگ، ۲۰۲۱؛ شفر[16] و همکاران، ۲۰۰۹). با توجه به اهمیت دوران نوجوانی و تاثیر والدین در ارتباط با آن‌ها سبک‌های فرزند پروری نقش زیادی در ایجاد دلگرمی و همدلی در آن‌ها دارد (ما و همکاران، ۲۰۲۰). در

1 Delinquency
2 Casseus
3 Wissink
4 Joseph
5 Lee
6 Habersaat,
7 Sun
8 Wallace
9 Bülow
10 Goering & Mrug
11 Rosado & Almeida
12 Cardona-Isaza
13 Javakhishvili & Vazsonyi
14 Van Langen
15 Cricchio
16 Schaffer

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

واقع سبک‌های متفاوت فرزند پروری تاثیر متفاوتی بر همدلی شناختی، عاطفی و هیجانی افراد دارد و بر همدلی شناختی تاثیر بیشتری دارد. هرچه مراقبت و کنترل والدین بر فرزندان بیشتر باشد همدلی در آن‌ها بیشتر است (وانگ[1] و همکاران، ۲۰۲۱). والدینی که سبک فرزند پروری مقتدرانه دارند باعث بهبود همدلی در فرزندانشان می شوند. در این سبک کودکان آزادانه در مورد ایده‌ها، مشکلات خود با والدین صحبت می‌کنند و ارتباط می‌گیرند. در حالی‌که والدین با سبک فرزند پروری مستبدانه همدلی را در فرزندانشان کاهش می‌دهد (لین[2] و همکاران، ۲۰۲۳).

یکی از میانجی‌های احتمالی نوجوانان همدلی است که با جنبه‌های فرزند پروری مرتبط است (مسورادو و ریچاد[3]، ۲۰۱۷)، و همچنین با بزهکاری کمتر در آن‌ها همراه است (گوینگ و مروگ، ۲۰۲۱). با توجه به اینکه درگیری نوجوانان در اوایل و اواسط نوجوانی به رفتارهای بزهکارانه بیشتر می‌شود و تاثیرپذیری آن‌ها از والدین نیز کمتر می‌شود اما همچنان فرزند پروری والدین جنبه‌ی پیشگیرانه و کاهشی در بروز رفتارهای بزهکارانه دارد (جواخیششهیویلی و وزسونی، ۲۰۲۲). بررسی همدلی به عنوان یک واسطه برای روابط بین فرزند پروری و کنترل بزهکاری در نوجوانان می‌تواند مفید باشد (گوینگ و مروگ، ۲۰۲۱). وانگ[4] و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی نشان دادند که عوامل مراقبت و کنترل والدین در دوران کودکی و نوجوانی به طور قابل توجهی بیشتر از عامل تشویق والدین با همدلی در بین مجرمان مرتبط بودند. یافته‌های دیگر نشان داد که نه تنها سبک‌های مختلف فرزندپروری تجربه شده تأثیرات پیش‌بینی‌کننده‌ی متفاوتی بر همدلی در بین مجرمان دارند، بلکه درجات سبک‌های فرزندپروری و اینکه آیا سبک‌های فرزندپروری ثابت یا نامنظم بودند نیز ممکن است بر الگوهای سبک‌های فرزندپروری و همدلی تأثیر بگذارند. للروکا[5] و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهش دیگری به بررسی تأثیرات سبک‌های فرزندپروری (پذیرش، کنترل منفی و سهل‌انگاری) بر رفتار جامعه‌پسند و پرخاشگرانه در نوجوانان از طریق متغیرهای میانجی همدلی و بی‌ثباتی عاطفی پرداختند؛ نتایج نشان داد که همدلی و بی‌ثباتی عاطفی این رابطه را میانجی‌گری کردند. در پژوهش دیگری نتایج یک مدل معادله ساختاری تأثیر غیرمستقیم فرزندپروری مقتدرانه بر بزهکاری از طریق همدلی را تایید کرد (گوینگ و مروگ[6]، ۲۰۲۱).

با توجه به شواهد پژوهشی، همدلی یکی از سازوکارهای روان‌شناختی مهمی است که با ابعاد مختلف فرزندپروری ارتباط دارد و هم‌زمان با کاهش بزهکاری در نوجوانان همراه است. از سوی دیگر، اگرچه در دوران نوجوانی گرایش به رفتارهای بزهکارانه افزایش می‌یابد و میزان تأثیرپذیری نوجوانان از والدین کاهش پیدا می‌کند، اما فرزندپروری والدین همچنان می‌تواند نقش پیشگیرانه و کاهشی در بروز بزهکاری داشته باشد. بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آن است که مشخص شود همدلی تا چه اندازه و چگونه نقش میانجی را در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه نوجوانان ایفا می‌کند. انجام این پژوهش از این جهت دارای اهمیت است، که یک آسیب و اختلال رفتاری در نوجوانان را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ چراکه بزهکاری نوجوانان یکی از مهم‌ترین چالش‌های تربیتی و اجتماعی است و پیامدهای آن می‌تواند به افت تحصیلی، تعارض خانوادگی، خشونت و حتی ورود به چرخه جرم در بزرگسالی منجر شود. صرف دانستن اینکه سبک‌های فرزندپروری با بزهکاری مرتبط‌اند کافی نیست، بلکه باید روشن شود این اثر از چه مسیر روان‌شناختی عمل می‌کند. نتایج این پژوهش را می‌توان در در تنظیم و اجرای مداخلات آموزشی و درمانی به‌منظور پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه برای نوجوانان مورد استفاده قرار دارد. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی همدلی در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی_همبستگی و از نوع مدلیابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهر رشت در سال ۱۴۰۴ بودند. حجم نمونه در این پژوهش بر اساس فرمول کلاین[7] (۲۰۲۳) ۲۴۰ برآورد شد که به روش نمونه در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش اشتغال به تحصیل در مقطع متوسطه دوم در سال ۱۴۰۴، رضایت آگاهانه والدین برای شرکت فرزندان آنها در پژوهش، دسترسی به پرسشنامه‌ها از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و معیار خروج عدم

1 Wang
2 Lin
3 Mesurado, B., & Richaud
4 Wang
5 Llorca
6 Goering & Mrug
7 Kline

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

پاسخدهی کامل به تمامی سوالات پرسشنامه بود. نمونه‌گیری به صورت آنلاین با استفاده از فرم نظرسنجی پرس‌لاین انجام شد؛ سوالات مربوط به معیارهای ورود، فرم رضایت آگاهانه و سوالات پرسشنامه به همراه راهنمای پاسخ به سوالات در سامانه پرس‌لاین طراحی و لینک آن از طریق گروه‌های مجازی دانش‌آموزان (شاد، واتس‌اپ و تلگرام) در اختیار آنها قرار داده شد؛ نمونه‌گیری تا دستیابی به نمونه مورد نظر ادامه داده شد. همه دانش‌آموزان قبل از پاسخ به سوالات فرم رضایت آگاهانه را تایید کردند؛ در فرم رضایت به منظور حفظ رازداری از دانش‌آموزان آگاهانه اهداف پژوهش شرح داده شده بود و همه دانشجویان به‌صورت اختیاری در این مطالعه مشارکت داشتند اطلاعات هویتی دریافت نشد و تکمیل پرسشنامه‌ها هیچ ضرر جسمی و روانی برای آنها به همراه نداشت. در نهایت، تحلیل داده‌ها در نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و Amos نسخه۲۴ با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری و روش بوت استرپ انجام شد.

ابزار سنجش

مقیاس ادراک والدین (POPS)[1]: این مقیاس توسط گرولینک[2] و همکاران (۱۹۹۷) طراحی و اعتباریابی شده است. مقیاس حاضر ۴۲ سوال دارد که ۲۱ گویه برای مادر و ۲۱ گویه برای پدر است که هر یک سه خرده مقیاس را اندازه‌گیری می‌کند. این مقیاس بر اساس طیف لیکرت ۷ درجه‌ای از (کاملا غلط=۱) الی (کاملا درست=۷) نمره‌گذاری می‌شود؛ دامنه نمرات در هر فرم بین ۲۱ الی ۱۴۷ است. همچنین در این مقیاس سوالات (۲، ۶، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۳، ۲۷، ۳۳، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۴۱، ۴۲)، به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. این مقیاس دارای ۳ زیرمقاس درگیری مادر[3] (شامل سوالات: ۳، ۶، ۹، ۱۲، ۱۸ و ۱۸)، -حمایت از خود مختاری از جانب مادر[4] (شامل سوالات: ۲، ۴، ۶، ۷، ۸ و ۱۰)، درگیری پدر[5] (شامل سوالات: ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۲۲) ، حمایت از خودمختاری از جانب پدر[6] (شامل سوالات: ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱)، گرمی مادر[7] (شامل سوالات: ۴، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۲۰)، و گرمی پدر[8] (شامل سوالات: ۲۵، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۳۷، ۴۱)، است. روایی این مقیاس در نمونه خارجی به روش روایی همزمان با اجرای فرم ۴۲ سوالی همین مقیاس برابر با (۰/۹۷) محاسبه شده و پایایی این مقیاس در نسخه خارجی با استفاده از آلفای کرونباخ بین (۰/۷۹) تا (۰/۸۶) گزارش شده است (گرولینک وهمکاران، ۱۹۹۷). روایی این مقیاس در نمونه ایرانی به روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که مقیاس ادراکات والدینی، از خرده مقیاس‌های درگیری مادر، حمایت مادر از خودمختاری، گرمی مادر، درگیری پدر، حمایت پدر از خودمختاری و گرمی پدر تشکیل شده است که در مجموع ۴۸/۷۱ درصد واریانس را تبیین کردند. تحلیل عاملی تأییدی، ساختار عاملی به دست آمده را تأیید کرد. ضرایب پایایی مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ در خرده مقیاس‌های ادراکات والدینی به ترتیب برای شیوه مادر ۰/۵۹ تا ۰/۷۷ و برای شیوه پدر ۰/۵۹ تا ۰/۷۶ و ضرایب باز آزمایی پس از ۳ هفته نیز به ترتیب برای شیوه مادر ۰/۴۰ تا ۰/۸۰ و برای شیوه پدر ۰/۳۸ تا ۰/۶۸ به دست آمد (تنهای رشوانلو و طالع پسند، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۲ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۷۷ الی ۰/۸۰ آلفای کرونباخ محاسبه شد.

مقیاس بهره همدلی (EQ)[9]: مقیاس بهره همدلی توسط بارون-کوهن و ویلرایت[10] (۲۰۰۴) ساخته شده است. این مقیاس ۲۶ سوال و دارای سه زیر مقیاس واکنش پذیری هیجانی (۹سوال)، همدلی شناختی (۹سوال) و مهارت های اجتماعی (۸ سوال) است. نمره‌گذاری مقیاس به صورت طیف لیکرت چهار درجه‌ای از کاملا موافقم (نمره ۴)، موافقم (نمره ۳)، مخالف (نمره ۲) و کاملا مخالفم (نمره ۱) انجام می‌شود. دامنه نمرات در این مقیاس بین ۲۶ الی ۱۰۴ است و نمرات بالاتر نشان دهنده همدلی بیشتر است. روایی این مقیاس در نسخه خارجی از طریق اجرای همزمان پرسشنامه بهزیستی روانشناختی و درماندگی روانشناختی به روش روایی همگرا محاسبه شده و ضریب همبستگی آن به ترتیب ۰/۴۱ و ۰/۲۸- و پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است (واکیبایاشی[11] و همکاران، ۲۰۰۶). روایی مقیاس در نسخه ایرانی به روش همگرا با پرسشنامه هوش هیجانی (۰/۲۷) به دست آمده و همچنین پایایی این مقیاس ۰/۸۳ آلفای کرونباخ محاسبه شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ محاسبه شد.

1 Perceptions of Parents Scales (POPS)
2 Grolnick
3 Mother Involvement
4 Mother Autonomy Support
5 Father Involvement
6 Father Involvement
7 Mother Warmth
8 Father Warmth
9 Empathy Quotient Scale
10 Baron-Cohen & Wheelwright
11 Wakabayashi

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه (ADBQ)[1]: پرسشنامه نگرش به رفتارهای بزهکارانه توسط فضلی (۱۳۸۹) برای نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال تهیه شده است. این پرسشنامه ۲۸ گویه دارد که نمره گذاری آن بر اساس لیکرت ۴ گزینه ای از کاملا مخالفم (نمره صفر) الی کاملا موافقم (نمره ۳) صورت گرفته است. دامنه نمرات در این پرسشنامه صفر الی ۸۴ است و نمرات بیشتر نشان دهنده نگرش مثبت به رفتارهای بزهکارانه است. سوالات (۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۴، ۱۸، ۲۰، ۲۴، ۲۶، ۲۸) به صورت معکوس نمره‌گذاری می-شوند. در پژوهشی نشان داده شد که بین نمرات این پرسشنامه و مقیاس انسجام سازمان یافته خانواده ۰/۳۳- همبستگی منفی وجود داشت که می‌تواند دلالت بر روایی واگرا داشته باشد؛ همچنین پایایی ۰/۷۳ آلفای کرونباخ ۰/۷۳ گزارش شده است (خان محمدی مجندهی، ۱۳۹۹). همچنین میزان همسانی درونی آن نیز در پژوهش دیگری ۰/۸۶گزارش شده است (حسینی دولت‌آبادی و همکاران،۱۳۹۲). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ محاسبه شد.

یافته ها

از مجموع ۲۴۰ پرسشنامه اجرا شده، ۲۲۰ داده قابلیت تحلیل داشت؛ سایر موارد به استفاده از فاصله ماهالانوبیس به عنوان داده‌های پرت از تحلیل خارج شدند. تمامی نوجوانان، در مقطع دوم متوسطه مشغول به تحصیل بودند. شرکت‌کنندگان در میانگین و انحراف معیار سنی ۱/۸۹±۱۶/۲۲ سال قرار داشتند. ۱۱۲ نفر (۵۰/۹۰ درصد) دختر و ۱۰۸ نفر (۴۹/۱۰ درصد) پسر بودند. ۱۱۵ نفر (۵۲/۲۷ درصد) پایه دهم، ۸۹ نفر (۴۰/۴۵ درصد) پایه یازدهم و ۱۶ نفر (۷/۲۷ درصد) پایه دوازدهم بودند. در جدول ۱ اطلاعات توصیفی متغیرها و روابط بین آن‌ها گزارش شده است.

جدول۱: یافته‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر ها	۱	۲	۳	۴	۵
۱- رفتارهای بزهکارانه	۱				
۲- فرزندپروری درگیری	-۰/۳۵ **	۱			
۳- فرزندپروری خودمختاری	-۰/۲۴ **	۰/۵۸ **	۱		
۴- فرزندپروری گرمی	-۰/۵۰ **	۰/۳۸ **	۰/۳۶ **	۱	
۵- همدلی	-۰/۵۷ **	۰/۲۱ **	۰/۲۰ **	۰/۵۱ **	۱
میانگین	۲۴/۸۱	۵۱/۱۸	۷۸/۰۱	۶۶/۵۸	۸۶/۶۳
انحراف معیار	۱۲/۲۹	۸/۸۰	۱۳/۳۹	۱۳/۰۳	۱۲/۷۴
کجی	۰/۰۲	۰/۳۷	-۰/۳۵	-۰/۳۱	-۰/۸۴
کشیدکی	-۰/۹۲	-۰/۱۰	۰/۰۱	-۱/۱۴	۰/۱۶

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول ۱ نشان داد که سبک‌های فرزندپروری درگیری (r=-۰/۳۵)، خودمختاری (r=-۰/۲۴) و گرمی (r=-۰/۵۰) و همدلی (r=-۰/۵۷) با رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی و معنادار داشت؛ علاوه بر این سبک‌های فرزندپروری درگیری (r=۰/۵۸)، خودمختاری (r=۰/۳۸) و گرمی (r=۰/۲۱) با همدلی رابطه مثبت و معنادار داشتند (P<۰/۰۵). در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار سه متغیر اصلی پژوهش ارائه شده است. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها هر یک از متغیرها از شاخص‌های کجی و کشیدگی استفاده شد، نتایج نشان داد همه شاخص‌ها در محدوده مطلوب قرار دارند، که نشان دهنده نرمال بودن توزیع داده‌ها است. هر[2] و همکاران (۲۰۱۰) و براین[3] (۲۰۱۰) بیان کردند که اگر کجی بین ۲- تا ۲+ و کشیدگی بین ۷- تا ۷+ باشد، توزیع داده‌ها طبیعی در نظر گرفته می‌شوند. قبل از اجرای مدل معادلات ساختاری رابطه سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه با نقش میانجی همدلی در نوجوانان دو پیش‌فرض استقلال خطاها و عدم هم‌خطی چندگانه بررسی شد، نتایج نشان داد که این دو پیش‌فرض مطلوب می‌باشند و می‌توان از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده کرد. در شکل ۱ مدل معادلات ساختاری در حالت ضرایب استاندارد ارائه شده است.

1 Attitude to Delinquent Behaviors questionnaire (ADBQ)
2 Hair
3 Bryne

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

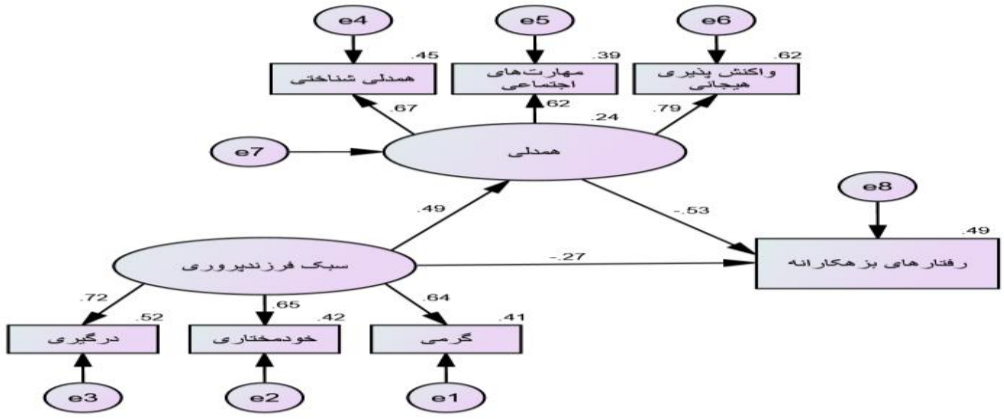

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش با ضرایب استاندارد

نتایج ضرایب مسیر در شکل ۱ بیانگر این است که مدل پیشنهادی در مجموع ۴۹٪ از واریانس رفتارهای بزهکارانه را در نوجوانان پیش‌بینی می‌کند. در ادامه در جدول ۲ نتایج اثرات مستقیم در مدل ارائه شده است.

جدول ۲: ضرایب مسیر مستقیم و معناداری مسیرهای مدل

متغیر برونداد ← متغیر درونداد	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معناداری
فرزندپروری ← رفتارهای بزهکارانه	-۰/۲۷	۰/۰۹	-۳/۲۶	-۰/۴۷	-۰/۰۷	۰/۰۱
همدلی ← رفتارهای بزهکارانه	-۰/۵۳	۰/۱۰	-۵/۹۴	-۰/۶۹	-۰/۳۰	۰/۰۱
فرزندپروری ← همدلی	۰/۴۹	۰/۱۲	۴/۶۱	۰/۲۱	۰/۷۹	۰/۰۱

نتایج جدول ۲ نشان داد که فرزندپروری (β=-۰/۲۷) و همدلی به طور منفی (β=-۰/۵۳) با رفتارهای بزهکارانه رابطه مستقیم داشتند؛ همچنین فرزندپروری به‌طور مثبت با همدلی (β=۰/۴۹) رابطه مستقیم و معنادار داشت (P<۰/۰۵). در ادامه، نتایج تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: اثر نقش میانجی همدلی در رابطه بین فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه

متغیر برونداد ← میانجی← متغیر درونداد	ضریب استاندارد	خطای استاندارد	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معناداری
فرزندپروری ← همدلی ← رفتارهای بزهکارانه	-۰/۲۶	۰/۰۸	-۰/۴۷	-۰/۱۱	۰/۰۱

نتایج آزمون بوت استرپ در جدول ۳ نشان داد که همدلی (β=-۰/۲۶) به طور منفی و معنادار بین فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵)؛ در واقع فرزندپروری به واسطه افزایش همدلی موجب کاهش رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان می‌شود. در جدول ۴ شاخص‌های برازش ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازش حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری

شاخص‌های برازش	CMIN	df	CMIN/DF	CFI	GFI	AGFI	TLI	IFI	NFI	RMSEA
مدل پژوهش	۱۹/۴۴	۱۲	۱/۶۲	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۶	۰/۰۶
معیار تصمیم	P>۰/۰۵	-	<۵	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

نتایج جدول ۴ نشان داد، که شاخص‌های برازندگی حاصل از مدل معادلات ساختاری مدل‌یابی نقش میانجی همدلی در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان از برازش مطلوب برخوردار است چرا که سه شاخص حیاتی کای اسکوئر بهنجارشده (CMIN/DF=۱/۶۲)، شاخص برازش مقایسه‌ای (CFI=۰/۹۶) و ریشهٔ میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۶) در محدوده استاندارد و مطلوب قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش میانجی همدلی در رابطه بین سبک فرزندپروری و رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری همراه با درگیری، گرمی و خودمختاری با رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی دارد؛ در واقع هرچقدر سبک فرزندپروری والدین همراه با درگیری، گرمی و خودمختاری همراه باشد، نوجوانان گرایش کمتری به رفتارهای بزهکارانه دارند. این یافته با مطالعات قبادیان (۱۴۰۰)، سان و همکاران (۲۰۲۵) و والاس (۲۰۲۳) همسو است. در تبیین می‌توان بیان نمود که سبک فرزندپروری مقتدرانه که با ترکیب بهینه‌ی گرمی، درگیری و حمایت از خودمختاری شناخته می‌شود، به عنوان یک عامل حفاظتی قدرتمند در برابر رفتارهای بزهکارانه در دوران نوجوانی عمل می‌کند؛ چرا که گرمی و عاطفه‌ی مثبت، پیوند عاطفی عمیقی میان والد و فرزند ایجاد کرده و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی را تسهیل می‌کند تا نوجوان خود را در برابر رفتارهای ناهنجار مسئول بداند. از سوی دیگر، درگیری فعالانه والدین، نظارت غیرمستقیم و آگاهی از محیط‌های اجتماعی فرزند را فراهم می‌آورد که مانع از قرارگیری او در موقعیت‌های پرخطر و معاشرت با گروه‌های بزهکار می‌شود، بدون آنکه احساس کنترل افراطی ایجاد کند. همزمان، حمایت از خودمختاری به نوجوان فرصت می‌دهد تا در بستری امن، مهارت‌های تصمیم‌گیری مستقل، حل مسئله و تنظیم هیجانی را تمرین کند که نتیجه آن افزایش عزت‌نفس و کاهش نیاز به رفتارهای تکانشی یا ضداجتماعی برای ابراز وجود است (سان و همکاران، ۲۰۲۵). این سبک با ایجاد یک ساختار منعطف و در عین حال پایدار، به جای سرکوب، نوجوان را به سمت استقلال مسئولانه هدایت کرده و نیازهای روانی بنیادین او را به گونه‌ای ارضاء می‌کند که دیگر نیازی به جستجوی تأیید یا هویت در مسیرهای بزهکارانه نخواهد داشت. در واقع، حضور گرم و درگیرانه والدین در کنار احترام به استقلال نوجوان، فضای روانی سالمی ایجاد می‌کند که در آن، فرد قادر است بحران‌های نوجوانی را بدون توسل به قانون‌شکنی مدیریت کند (بلو و همکاران، ۲۰۲۲). با تقویت این سه‌گانه، احساس تعلق فرزند به نهاد خانواده و جامعه افزایش یافته و گرایش به انحراف به دلیل ترس از دست دادن این پیوند حمایتی و درونی‌سازی هنجارها به حداقل می‌رسد. در نهایت، تلاقی این سه رکن باعث می‌شود نوجوان به جای کنش‌های مخرب، توانمندی‌های خود را در بسترهای سازنده شکوفا کرده و رفتارهای بزهکارانه که اغلب ناشی از خلأهای عاطفی یا ناتوانی در مدیریت استقلال است، جای خود را به رفتارهای مدنی و سازگارانه دهند (گورینک و مروگ، ۲۰۲۱).

یافته دیگر پوهش نشان داد که همدلی با رفتارهای بزهکارانه رابطه منفی دارد؛ در واقع هرچقدر نوجوانان همدلی بیشتر داشته باشند، کمتر به سمت رفتارهای بزهکارانه گرایش دارند. این یافته با مطالعات روزادو و المدیا (۲۰۲۵)، کاردونا-ایسازا و همکاران (۲۰۲۳) و جواخیششهیویلی و وزسونی (۲۰۲۲). همسو است. در تبیین می‌توان اینگونه استنباط نمود که همدلی با تقویت ارتباط عمیق شناختی و عاطفی با پیامدهای اعمال خود بر دیگران، به عنوان یک سپر روانی قوی در برابر بزهکاری نوجوانان عمل می‌کند (آژ عصاران و همکاران، ۱۴۰۰). وقتی نوجوانان سطح بالایی از همدلی را در خود پرورش می‌دهند، توانایی بیشتری در اتخاذ دیدگاه‌های مختلف دارند که به آنها اجازه می‌دهد هنجارهای اجتماعی را درونی کنند و وزن اخلاقی آسیب وارده به قربانیان را احساس کنند (روزادو و المدیا، ۲۰۲۵). همچنین نوجوان همدل به جای تکیه صرف بر ترس از مجازات بیرونی، هنگام فکر کردن به رفتار ضداجتماعی، احساس گناه یا پریشانی نیابتی را تجربه می‌کند. در نتیجه، این امر از غیرانسانی کردن دیگران که اغلب برای توجیه اعمال مجرمانه لازم است، جلوگیری می‌کند و پرخاشگری یا دزدی را از نظر روانی برای مجرم پرهزینه می‌کند (ون لانگن و همکاران، ۲۰۱۴). علاوه بر این، همدلی پیوندهای اجتماعی را در گروه‌های همسالان و سیستم‌های خانوادگی تقویت می‌کند و یک شبکه حمایتی ایجاد می‌کند که رفتار مثبت و تعلق به جامعه را تقویت می‌کند. این جوانان با درک حالات عاطفی اطرافیان خود، می‌توانند از طریق مذاکره و سازش به جای پرخاشگری تکانشی، درگیری‌های اجتماعی را بهتر هدایت کنند. در نهایت، همدلی تمرکز را از خواسته‌های خودمحور به تأثیر انتخاب‌های فرد تغییر می‌دهد و حس مسئولیت‌پذیری و استدلال اخلاقی را تقویت می‌کند که مانع از قانون‌شکنی می‌شود (جواخیششهیویلی و وزسونی، ۲۰۲۲).

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

یافته دیگر پژوهش نشان داد که سبک فرزندپروری همراه با درگیری، گرمی و خودمختاری با همدلی رابطه مثبت دارد؛ در واقع هرچقدر سبک فرزندپروری والدین همراه با درگیری، گرمی و خودمختاری همراه باشد، نوجوانان همدلی بالاتری گزارش می‌کنند. این یافته با مطالعات لین و همکاران (۲۰۲۳)، گورینک و مروگ (۲۰۲۱) و شفر و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. در تبیین می‌توان بیان کرد که فرزندپروری که با گرمی، تعامل و حمایت از استقلال مشخص می‌شود، به عنوان بستر اساسی برای ایجاد همدلی در نوجوانان عمل می‌کند. وقتی والدین گرمی مداوم ارائه می‌دهند، مهارت ضروری ارزش قائل شدن برای دیگران را الگو قرار می‌دهند که یک الگوی عاطفی امن ایجاد می‌کند که به نوجوان اجازه می‌دهد این رفتارهای دلسوزانه را در روابط خود منعکس کند. همزمان، سطوح بالای تعامل والدین تضمین می‌کند که نوجوان احساس دیده شدن و شنیده شدن می‌کند و حس امنیت عاطفی را تقویت می‌کند که به آنها امکان می‌دهد بدون اینکه درگیر نیازهای برآورده نشده خود باشند، با خیال راحت احساسات دیگران را کشف و تشخیص دهند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین والدین با حمایت فعال از استقلال، نوجوانان را تشویق می‌کنند تا تصمیم بگیرند و در مورد تأثیر اجتماعی خود تأمل کنند، که این امر ظرفیت شناختی برای دیدگاه‌گیری و درک دیدگاه‌های متنوع را پرورش می‌دهد. این ترکیب یک محیط متقابل ایجاد می‌کند که در آن نوجوان همدلی را از نزدیک تجربه می‌کند و احتمال درونی کردن این الگوها را به عنوان رفتار اجتماعی استاندارد افزایش می‌دهد. همانطور که والدین دنیای عاطفی درونی نوجوان را تأیید می‌کنند، نوجوان حس قوی‌تری از خودتنظیمی را در خود ایجاد می‌کند که پیش‌نیاز مدیریت احساسات پیچیده مربوط به همدلی با دیگران است (لین و همکاران، ۲۰۲۳). در نهایت، این رویکرد متعادل، واکنش‌های دفاعی و خودمحور را با جهت‌گیری به سمت ارتباط و مهربانی جایگزین می‌کند. نوجوان با احساس درک شدن و مورد احترام قرار گرفتن، پهنای ذهنی لازم برای نگاه به بیرون را به دست می‌آورد و ظرفیت خود را برای درک رنج یا شادی دیگران به یک الزام اخلاقی واقعی تبدیل می‌کند (گورینک و مروگ، ۲۰۲۱).

یافته نهایی نشان داد که سبک‌های فرزندپروری توام با درگیری، خودمختاری و گرمی به واسطه افزایش همدلی در نوجوانان می‌توانند از رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان جلوگیری کنند، در واقع همدلی بین سبک‌های فرزندپروری و گرایش به بزهکاری نقش میانجی داشت. این یافته با مطالعات گورینک و مروگ (۲۰۲۱)، شفر و همکاران (۲۰۰۹) و وانگ و همکاران (۲۰۱۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان نمود که نوجوانای که در بستر روابط خانوادگی مبتنی بر حمایت عاطفی، پذیرش، تعامل مثبت و اعطای خود مختاری رشد می کنند، ظرفیت بیشتری برای درک حالات هیجانی و عاطفی دیگران به دست می آورند. در چنین شرایطی، والدین با پاسخگویی مناسب به نیازهای هیجانی فرزندان و ایجاد روابط گرم و ایمن، زمینه رشد مولفه های هیجانی_اجتماعی به ویژه همدلی را فراهم می کنند (گوینگ و مروگ، ۲۰۲۱). برخورداری نوجوان از توانایی همدلی موجب افزایش حساسیت عاطفی نسبت به پیامدهای رفتار بر دیگران، تقویت بازدارندگی درونی و کاهش تمایل به رفتارهای آسیب رسان و ضد اجتماعی می‌شود، از این رو بخشی از اثر محافظتی سبک‌های فرزند پروری مثبت بر کاهش گرایش به بزهکاری را می‌توان در قالب نقش واسطه ای همدلی تبیین کرد، به گونه‌ای که فرزند پروری مثبت، از طریق تقویت توانایی‌های هیجانی و بین فردی نوجوان احتمال بروز بزهکاری را کاهش می‌دهد (شفر و همکاران، ۲۰۰۹).

به طور کلی پژوهش حاضر نشان داد که سبک فرزند پروری مبتنی بر درگیری، گرمی و حمایت از خود مختاری می‌تواند به‌طور مستقیم و غیر مستقیم در رفتارهای بزهکارانه نوجوانان نقش داشته باشد. در این میان همدلی به‌عنوان یک سازه مهم شناختی، هیجانی و اجتماعی در تبیین رابطه بین سبک فرزند پروری و رفتارهای بزهکارانه نقش میانجی معناداری ایفا می‌کند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که ارتقاء کیفیت تعاملات والد -فرزند و تقویت ظرفیت‌های همدلانه در نوجوانان می‌تواند به‌عنوان عاملی محافظت کننده در برابر بروز رفتارهای بزهکارانه عمل کند.

پژوهش حاضر همانند سایر مطالعات با محدودیت‌هایی همرا بود که در تفسیر نتایج باید مورد توجه قرار بگیرد. نخست آنکه داده‌های پژوهش بر اساس ابزارهای خودگزارشی گردآوری شد که ممکن است تحت تاثیر سوگیری پاسخ‌دهی شرکت‌کنندگان قرار گیرد. دوم جامعه آماری پژوهش محدود به گروه خاصی از نوجوانان در محدوده جغرافیایی مشخص بود؛ بنابراین تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها سنی یا فرهنگی باید با احتیاط صورت بگیرد. همچنین در این پژوهش برخی متغیرهای زمینه‌ای نظیر وضعیت اقتصادی -اجتماعی خانواده، سبک ارتباطی والدین و عوامل فرهنگی به طور مستقیم کنترل نشد که ممکن است بر روابط میان متغیرها تاثیرگذار باشد. همچنین نمونه‌گیری در دسترس و استفاده از نظرسنجی آنلاین از دیگر محدودیت‌های این مطالعه است. پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده این محدودیت‌ها جهت افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌ها مرتفع گردد. باتوجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود برنامه آموزشی و مداخلات روانشناختی با هدف آموزش شیوه‌های فرزند پروری برای والدین طراحی و اجرا شود تا از طریق گرمی، درگیری سازنده و حمایت از خودمختاری نوجوانان

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]
[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

زمینه کاهش رفتارهای بزهکارانه فراهم گردد. همچنین می‌توان در محیط‌های آموزشی و درمانی، برنامه های تقویت مهارت‌های همدلی و اجتماعی را برای نوجوانان اجرا کرد تا توانایی آنان در درک هیجان‌ها و پیامدهای رفتار بر دیگران افزایش یابد.

منابع

ابوالقاسمی، ع. (۱۳۸۸). اعتباریابی و روایی مقیاس بهره همدلی برای دانش آموزان دبیرستان. *مطالعات روانشناختی، ۵(۴)*، ۲۵-۲۹. https://doi.org/10.22051/psy.2009.1610

آژعصاران، م.، مهدی نژاد، و.، فرنام، ع. (۱۴۰۰). رابطه همدلی، خودکارآمدی و زورگویی با نقش واسطه‌ای سبک‌های فرزندپروری. *مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۸*(۴۲)، ۱۳۵-۱۱۰. https://www.sid.ir/paper/1038125/fa

تنهای رشوانلو، ف.، و طالع پسند، س. (۱۳۹۷). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ادراکات والدینی (POPS) در دانش آموزان دبیرستانی. *رویش روان شناسی ۷* (۹)، ۲۶۵-۲۹۰. http://frooyesh.ir/article-1-761-fa.html

حسینی دولت ابادی، ف.، سعادت، س.، و قاسمی جوبنه، ر. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خود کارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش‌آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری، ۴(۲)*، ۶۷-۸۸. https://jol.guilan.ac.ir/article_634.html

خان محمدی مجندهی، ر. (۱۳۹۹). رابطه انسجام خانواده و توانایی حل مسئله با نگرش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان دختر. *رویش روان شناسی، ۹(۱)*، ۸۱-۸۸. https://frooyesh.ir/article-1-1700-fa.html

رنجبر، پ.، احمدی، ح.، رجبی، م. (۱۴۰۲). تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین سواد رسانه‌ای و تمایل به رفتار بزهکارانه (مطالعه موردی: دانش‌آموزان دورهٔ متوسطهٔ شهر تبریز). *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۰(۴)*، ۶۷-۸۸. https://ensani.ir/fa/article/585242/

فضلی، و. (۱۳۸۹). بررسی رابطه شیوه های تربیتی والدین و نگرش به رفتارهای بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵تا ۱۸سال شهر تهران. *فصلنامه علمی ترویجی پیشگیری از جرم، ۱*(۵)، ۷۹-۱۱۷. https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1041949

قبادیان، م .(۱۴۰۰). نقش سبک های فرزندپروری در پیشگیری از گرایش نوجوانان به بزهکاری. *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۶*(۵۸)، ۲۲۱-۲۲۴. https://www.magiran.com/paper/2324731

مهدوی،م.، و مدرس، م. (۱۳۹۹). تأثیر سبک فرزندپروری دینی در پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان (مورد مطالعه: شهر قم). *فصلنامه علمی رهیافت پیشگیری از جرم، ۳*(۱)، ۱۳-۴۰. https://elmnet.ir/doc/1899602-61632

Baron-Cohen, S., & Wheelwright, S. (2004). The Empathy Quotient (EQ). An investigation of adults with Asperger Syndromeor High Functioning Autism, and normal sex differences. *Journal of Autism and Developmental Disorders*, 34, 163-175. https://doi.org/10.1023/b:jadd.0000022607.19833.00

Bülow, A., Neubauer, A. B., Soenens, B., Boele, S., Denissen, J. J., & Keijsers, L. (2022). Universal ingredients to parenting teens: Parental warmth and autonomy support promote adolescent well-being in most families. *Scientific Reports*, *12*(1), 16836. https://www.nature.com/articles/s41598-022-21071-0

Cardona-Isaza, A. D. J., González Barrón, R., & Montoya-Castilla, I. (2023). Empathy and prosocial behavior in adolescent offenders: The mediating role of rational decisions. *Sage Open*, *13*(4), 21582440231202844. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/21582440231202844

Casseus, M., Corman, H., Noonan, K., & Reichman, N. E. (2025). Attention problems in childhood and subsequent health risk behaviors in adolescence. *Journal of Attention Disorders*, *29*(12), 1134-1147. https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/10870547251352364

Cricchio, M. G. L., Musso, P., Coco, A. L., Cassibba, R., & Liga, F. (2022). The relation between empathy and aggression: The role of attachment style. *Europe's journal of psychology*, *18*(3), 319. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC9632554/

Darvishi, M., Atef Vahid, M. K., Elhami Athar, M., Trejos-Castillo, E., & Habibi Asgarabad, M. (2022). The explanation of adolescent delinquent behaviors based on Jessor's problem behavior theory (PBT) in Iran: the role of individual vulnerability, opportunity risk availability, and perceived support. *Frontiers in Psychiatry*, *13*, 744794. https://doi.org/10.3389/fpsyt.2022.744794

Goering, M., & Mrug, S. (2021). Empathy as a mediator of the relationship between authoritative parenting and delinquent behavior in adolescence. *Journal of youth and adolescence*, *50*(7), 1308-1318. https://link.springer.com/article/10.1007/s10964-021-01445-9

Goering, M., & Mrug, S. (2021). Empathy as a mediator of the relationship between authoritative parenting and delinquent behavior in adolescence. *Journal of youth and adolescence*, *50*(7), 1308-1318. https://link.springer.com/article/10.1007/s10964-021-01445-9

Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1997). Internalization within the family: The self-determination theory perspective. *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory*, *44*, 135-161. https://psycnet.apa.org/record/1997-36410-005

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]

Habersaat, S., Boonmann, C., Schmeck, K., Stéphan, P., Francescotti, E., Fegert, J. M., ... & Urben, S. (2020). Gender differences in the relationship between strain, negative emotions and delinquent behaviors in institutionalized juveniles. *Deviant Behavior, 41(9)*, 1113-1124. https://doi.org/10.1080/01639625.2019.1596549

Javakhishvili, M., & Vazsonyi, A. T. (2022). Empathy, self-control, callous-unemotionality, and delinquency: Unique and shared developmental antecedents. *Child Psychiatry & Human Development*, *53*(2), 389-402. https://link.springer.com/article/10.1007/s10578-021-01137-2

Joseph, A. C., Pottengal, S., & Baikady, R. (2026). The relationship between family environment and delinquent behavior among youth: A systematic literature review. *The Palgrave Handbook of Global Social Problems*,*21*, 1-30. https://link.springer.com/rwe/10.1007/978-3-030-68127-2_660-1

Kline, R. B. (2023). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford Publications.

Lee, W. (2025). Bad Friends Make Bad Boys? The Mediating Effects of Gender-Role Stereotypes on the Relationship Between Delinquent Peer Association and Violent Behavior Adolescents Boys. *Criminal Justice and Behavior*, *52*(5), 752-768. https://doi.org/10.1177/00938548241298205

Lin, Z., Zhou, Z., Zhu, L., & Wu, W. (2023). Parenting styles, empathy and aggressive behavior in preschool children: an examination of mediating mechanisms. *Frontiers in psychology*, *14*, 1243623. https://www.frontiersin.org/journals/psychology/articles/10.3389/fpsyg.2023.1243623/full

Llorca, A., Richaud, M. C., & Malonda, E. (2017). Parenting styles, prosocial, and aggressive behavior: The role of emotions in offender and non-offender adolescents. *Frontiers in psychology*, *8*, 1246. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2017.01246

Mesurado, B., & Richaud, M. C. (2017). The relationship between parental variables, empathy and prosocial-flow with prosocial behavior toward strangers, friends, and family. *Journal of Happiness Studies*, *18*, 843-860. https://doi.org/10.1007/s10902-016-9748-7

Rosado, J. I., & Almeida, T. C. (2025). A study with adolescents with delinquent behavior: impact of juvenile victimization and resilience on empathy. *Estudos de Psicologia (Campinas)*, *42*, e210154. https://www.scielo.br/j/estpsi/a/BKRzQbwZyTwkr9HzyV3TnHM/?format=html&lang=en

Schaffer, M., Clark, S., & Jeglic, E. L. (2009). The role of empathy and parenting style in the development of antisocial behaviors. *Crime & Delinquency*, *55(4)*, 586-599. https://doi.org/10.1177/0011128708321359

Sun, W., Wang, M., Zheng, F., & Wang, Y. (2025). From nurture to deviance: A study on parenting style and juvenile delinquency. *Deviant Behavior*, *46*(5), 639-655. https://doi.org/10.1080/01639625.2024.2361051

Van Langen, M. A., Wissink, I. B., van Vugt, E. S., Van der Stouwe, T., & Stams, G. J. J. (2014). The relation between empathy and offending: A meta-analysis. *Aggression and violent behavior*, *19(2)*, 179-189. https://doi.org/10.1016/j.avb.2014.02.003

Wakabayashi, A., Baron-Cohen, S., Wheelwright, S., Goldenfeld, N., Delaney, J., Fine, D., ... & Weil, L. (2006). Development of short forms of the Empathy Quotient (EQ-Short) and the Systemizing Quotient (SQ-Short). *Personality and individual differences*, *41(5)*, 929-940. https://psycnet.apa.org/doi/10.1016/j.paid.2006.03.017

Wallace, L. N. (2023). Parenting practices and adolescent delinquency: COVID-19 impact in the United States. *Children and Youth Services Review*, *149*, 106791. https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0190740922004273

Wang, S., Hu, H., Wang, X., Dong, B., & Zhang, T. (2021). The hidden danger in family environment: The role of self-reported parenting style in cognitive and affective empathy among offenders. *Frontiers in psychology*, *12*, 588993. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.588993

Wang, S., Hu, H., Wang, X., Dong, B., & Zhang, T. (2021). The hidden danger in family environment: The role of self-reported parenting style in cognitive and affective empathy among offenders. *Frontiers in psychology*, *12*, 588993. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.588993

Wissink, I. B., Asscher, J. J., & Stams, G. J. (2025). Online Delinquent Behaviors of Adolescents: Parents as Potential "Influencers"?. *International journal of offender therapy and comparative criminology*, *69*(8), 898-920. https://doi.org/10.1177/0306624X231206521

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-13]

[DOI: 10.29252/Rooyesh.15.5.277]